



رونق, کسادى و مدیریت ريسک

© December 2008, Dr David Hillson PMP HonFAPM

david@risk-doctor.com

در چند ماه اخير جهان از ناپایداری بی سابقه ی بازارهای مالی همراه با شیب صعودی قیمت انرژی و غذا, شوکه شده است. بانک ها که سابقا فکر می کردند آسیب ناپذیرند نیز, با ضربه هایی که به بازارهای سهام وارد شد, از این رویداد متاثر شده و آسیب دیده اند. به نظر می رسد که رهبران سیاسی و تجاری نیز قادر به هیچ اعمال نفوذ مثبتی نیستند و تنها به عنوان ناظر مطلق موقعیت ایجاد شده ظاهر می شوند. عده ای معتقدند که ما تنها در حال نظاره ی ایجاد دوباره ی حلقه ی بدنام "رونق و کسادى" از روزهای بد گذشته هستیم. و بسیاری دارند این موقعیت را به گردن شکست مدیریت ريسک می اندازند- چرا ما شکل گیری این رویداد را ندیدیم و از آن اجتناب نکردیم؟ آیا این وضعیت اثبات نمی کند که مدیریت ريسک کارا نیست و نمی تواند آینده را پیش بینی کند؟

مدیران ريسک می گویند که آنها جنبه های بسیاری از بحران کنونی را پیش بینی کرده بودند ولی هشدارهای آنها توسط همکارانشان که متمرکز بر توسعه ی تجارت و سودآوری شان بودند, نادیده گرفته شد. چه این ادعا درست باشد چه نباشد نقش مدیریت ريسک در حفاظت از تجارت ها از زیان ها, به چالش کشیده شده است و باید این اتهام پاسخ داده شود. شاید تلاش در مدیریت ريسک پیشاپیش, تنها اتلاف وقت باشد؟

استدلال این است که در حالی که ريسک ها رویدادهای آینده ی عدم قطعی ای هستند که ممکن است هرگز روی ندهند, نیازی به صرف وقت و تلاش برای شناسایی, ارزیابی و مدیریت آنها نیست. در عوض سازمان ها باید اطمینان حاصل کنند که فرآیندها و ساختارهای اساسی و بنیادین آنها سالم و انعطاف پذیر است و تنها باید زمانی که ريسک ها تبدیل به رویدادهای واقعی شدند, واکنش نشان دهند.

سه دلیل برای ننگ داشتن مدیریت ريسک در جایگاه اصلاح سازی, وقتی همه ی هزینه های غیر ضروری دارند به درستی به هر شکل ممکن حذف می شوند, وجود دارد.

1. مدیریت ريسک توانایی سازمان را برای مواجه شدن با آینده ای غیر قطعی, از طریق هشدار دادن پیشاپیش خطراتی که باید از آنها اجتناب شود و یا کمینه شوند, و فرصت هایی که باید از آنها بهره برداری شود و یا بیشینه شوند, بهبود می دهد. فرآیند ريسک روی دادن چیزهای بد بالقوه را متوقف می کند, به گونه ای که ما دیگر مجبور نخواهیم بود بعدا با آنها برخورد کنیم, و ما را در تسخیر منافع اضافی یاری نموده ارزش ایجاد می کند.
2. فهم مناسب تاثیر ريسک به سازمان اجازه می دهد سطوح مناسبی از امکان مواجهه با تاثیرات عدم قطعیت های محتمل آینده را ایجاد نماید. منابع برنامه ریزی شده می توانند از پیش برای آمادگی برای استفاده شدن در مواقعی که نیاز می شود, مستقر شوند. این موضوع به سازمان در انعطاف پذیری که برای حیات در مواقع متلاطم بسیار حیاتی می باشد کمک خواهد نمود.

---

3. مدیریت ریسک اقداماتی را شناسایی خواهد نمود که اتلاف را کاهش می دهند، دوباره کاری را قطع می کنند، بهره وری را بیشینه می کنند و تحویل موفقیت آمیز را حمایت می کنند. اجتناب از خطرات و کمینه نمودن آنها به طور طبیعی هزینه های اضافی را از طریق بررسی پیشاپیش مشکلات بالقوه قبل از اینکه آنها هیچ شانسی برای ایجاد تاثیر منفی داشته باشند، از بین می برد. و مدیریت ریسکی که شامل مدیریت فرصت می باشد به طور خودکار باعث اجرای سریع تر، هوشمندانه تر و ارزان تر کار خواهد شد.

شکی نیست که همه ی بخش های صنعت و جامعه با چالش های واقعی ای در مواجهه با پیامدهای کنونی سقوط اعتبارشان رویارو هستند. اما نباید مدیریت ریسک به عنوان بخشی از مشکل در این مواقع دشوار در نظر گرفته شود. در عوض سازمان ها باید از بصیرت هایی که توسط فرآیند مدیریت ریسک به آنها پیشنهاد می شود، استفاده نمایند تا اطمینان حاصل کنند که می توانند عدم قطعیت های اجتناب ناپذیر را اداره کنند و در آینده در بهترین موقعیت ممکن قرار گیرند. با سطح بالای ناپایداری ای که از همه ی جهات ما را در بر گرفته، در حال حاضر مدیریت ریسک از همیشه بیشتر مورد نیاز است و قطع آن اشتباهی اقتصادی خواهد بود. ما باید به جای در نظر گرفتن مدیریت ریسک به عنوان بخشی از مشکل، آن را به عنوان بخش اصلی راه حل نگاه کنیم.